

## The Role of Parents in the Sociability of Children According to Quran \*

Reza Dehghan Nezhad \*\*

### Abstract

Children's sociability is considered as one of the important issues in the discussions of educational sciences and sociology, and among different factors, the parents' role is of great importance as the first and the most important factor. Children establish their first social relationships through their families. Children learn social and moral norms and values from their parents and imitate them. The present study investigates the role of parents in children's sociability according to the verses of the Holy Quran and some narrations as an interpretation of those verses with the library and descriptive research methods. The findings of this study showed that learning social conventions and skills, enhancing intellectual communication, the cultural role of parents, economic education, creating discipline and complying with regulations in social life, glorification of children, preparing the essentialities of their marriage, and their physical education are the main areas where parents play their role in children's sociability.

**Keyword:** Sociability, Parents' role in the sociability of children, Sociability according to the Holy Quran.

---

\* Received:2020-12-22

Accepted:2021-04-12

\*\* Assistant Professor of Fiqh and Islamic Law of Azarbaycan Shahid Madani University. Tabriz, Iran. Email: Ac.dehghannezhad@azaruniv.ac.ir



## نگاهی قرآنی به نقش پدر و مادر در جامعه‌پذیری فرزندان\*

رضا دهقان‌نژاد\*\*

### چکیده

جامعه‌پذیری فرزندان یکی از موضوعات مهم در مباحث علوم تربیتی و اجتماعی است که در بین عوامل متعدد آن، نقش والدین به عنوان اولین و مهم‌ترین عامل به شمار می‌رود، چرا که کودکان نخستین روابط اجتماعی خود را توسط خانواده برقرار می‌کنند. کودکان از والدین خود، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی را می‌آموزند و در این زمینه از آنان تقلید می‌کنند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و توصیفی کوشیده است نقش پدران و مادران را در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان با الهام از آیات قرآن کریم و احیاناً برخی روایات به عنوان تفسیر آیات مذکور، مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد آموختن آداب، رسوم و مهارت‌های اجتماعی، تقویت ارتباط فکری و عقلانی فرزندان، نقش فرهنگی پدر و مادر، تربیت اقتصادی، ایجاد انضباط و رعایت ضوابط در زندگی اجتماعی، تکریم فرزندان، تسهیل در امر ازدواج فرزندان و تربیت بدنی و جسمانی آنان از مهم‌ترین مواردی هستند که پدران و مادران باید در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان خود نقش خود را به خوبی ایفا نمایند.

کلیدواژه‌ها: اجتماعی شدن، نقش والدین در جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری در قرآن

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳

\*\* استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. تبریز، ایران. ایمیل:

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

عوامل متعددی در جامعه‌پذیری فرزندان دخیل هستند که در این میان پدر و مادر اولین و مهم‌ترین آن عوامل به شمار می‌آید؛ به طوری که مورد توجه جدی بسیاری از دانشمندان علوم تربیتی و اجتماعی در دنیای امروز است، زیرا پدر و مادر هستند که مسئولیت اصلی جامعه‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیه زندگی به عهده دارند. کودکان نخستین وابستگی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در بطن خانواده برقرار می‌سازند، زبان را یاد گرفته و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را آغاز می‌نمایند. گرچه بخش مهمی از جامعه‌پذیری که در خانواده رخ می‌دهد، عمدی و آگاهانه است، (رابرتسون، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۹؛ شریعتمداری، ۱۳۸۷: ۱۹۳-۱۹۵ و ۲۰۹-۲۱۱) به تعبیر دیگر مربوط به تعلیم و تربیت والدین است، ولی بخشی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه و از طریق تقلید و همانندسازی صورت می‌گیرد. به هر حال اجتماعی بودن نیاز فطری هر فرد انسانی است، بر این اساس هیچ وقت از او جدا نشده است، (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶-۱۶) قرآن کریم نیز به عنوان سند تحریف‌نشده الهی و منبع اصلی دین فطری در آیات متعددی (برای مثال، رک. آل عمران: ۱۰۳ و ۱۰۵؛ انعام: ۱۵۳ و ۱۵۹) به صراحت پایه و بنای دعوت خود را روی اجتماع گذاشته و به آن توجه ویژه نموده است. از سوی دیگر در آیات متعدد دیگری جامعه‌پذیری افراد و تأثیرپذیری آن‌ها را از اجتماع نیز پذیرفته، (رک. آل عمران، ۳: ۱۹۵؛ انعام، ۶: ۱۶۵؛ فرقان، ۲۵: ۲۰؛ زخرف، ۴۳: ۳۲) البته به طور مطلق به آن دستور نمی‌دهد؛ بلکه در مواردی که آداب و رسوم جامعه با خواسته‌های فطری انسان‌ها هماهنگ باشد؛ آن را لازم دانسته و در غیر این صورت دستور به عدم تبعیت از آداب و رسوم اجتماعی با واژه «لاتتبعوا» را داده است که نمونه بارزش داستان اصحاب کهف است که به خاطر

عدم تبعیت از آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه آن روز، در قرآن تحسین شدند.  
(کَهِف، ۱۸: ۹-۲۵)

برخی از دانشمندان غربی مانند یان رابرتسون نیز جامعه‌پذیری را یک نقطه اتصال ضروری بین فرد و جامعه دانسته‌اند، چنان‌که نقطه اتصالی که فرد و جامعه بدون آن نمی‌تواند ادامه حیات دهد؛ (رابرتسون، ۱۳۹۰: ۱۱۲) همچنین در اهمیت این بحث همین کافی است که اصلی‌ترین علت اختلافات و ناسازگاری زن و شوهر و فرزندان و والدین در خانواده‌ها به انتظارات متفاوت از همدیگر برمی‌گردد که آن هم به نحوه جامعه‌پذیری آن‌ها برمی‌گردد. (رجب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۶).

### ۱-۱- تعریف جامعه‌پذیری

سابقه تاریخی این اصطلاح به قرن نوزدهم برمی‌گردد که برای اولین بار توسط محقق آمریکایی به نام رس<sup>۱</sup>، به کار برده شد و بعداً توسط دانشمند فرانسوی به نام امیل دورکیم<sup>۲</sup> به شکل کامل‌تری ارائه گردید. (مرادزاده، ۱۳۷۲: ۵)

به جهت گستره مفهوم جامعه‌پذیری، تعریف‌های متفاوتی از سوی دانشمندان مطرح شده است؛ به برخی از تعاریفی که با رسالت این نوشتار تناسب بیشتری دارد، اشاره می‌گردد:

برخی مانند نیوکمب<sup>۳</sup> اجتماعی شدن فرد را با آموزش اجتماعی مترادف می‌دانند، برخی نیز مانند فروید، اجتماعی شدن را فرایندی می‌داند که از طریق آن کودک هنجارهای والدین را به صورتی عمقی می‌پذیرد و به کسب فراخود یا نفس لوآمه می‌پردازد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲/۸۰۳-۸۰۴)

- 
1. Ross
  2. E. Durkheim.
  3. T. M. Newcomb.

برخی نیز گفته‌اند: جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد. (رابرتسون، ۱۳۹۰: ۱۱۲؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

براین اساس برخی از مهم‌ترین آثار جامعه‌پذیری این‌گونه خواهد بود:

- زمینه انتقال فرهنگ جامعه، از یک نسل به نسل بعد فراهم می‌شود؛ و بدین شکل بقای جامعه و استمرار آن تضمین می‌گردد؛ فرد با شیوه‌های پذیرفته‌شده زندگی اجتماعی آشنایی و سازگاری می‌یابد و می‌آموزد که نیازهای خویش را به شیوه‌های قابل قبول جامعه برآورد؛ ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه را در ذهن متمرکز و آن‌ها را درونی می‌کند؛ هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب کرده و با هنجارهای گروهی هم‌نوا می‌گردد؛ با دیگران به‌گونه مؤثری ارتباط برقرار می‌کند و نقش‌های اجتماعی، نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های وابسته به آن و همچنین هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، عقاید و الگوهای فکری و عملی را فرا می‌گیرد. (ر.ک. علاقه‌بند، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۷ و ۱۰۸-۱۱۴؛ رابرتسون، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۳ و ۱۲۱-۱۲۷؛ کوئن، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۷؛ سلیمی و داوری؛ ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۴)

## ۲-۱- جامعه‌پذیری موفق و ناموفق

در پاسخ به این سؤال که معیار و تشخیص جامعه‌پذیری موفق از ناموفق چیست، به طور خلاصه می‌توان گفت زمانی که رفتارهای فرد یا افراد به رفتارهای اجتماعی تبدیل شوند، جامعه‌پذیری موفق بوده است. برای مثال، فرد بیشتر در فعالیت‌های

گروهی شرکت کرده و در دوست‌یابی با مشکل روبه‌رو نمی‌شود و مسئولیت‌ها را به راحتی می‌پذیرد. به عبارت دیگر زمانی می‌توان گفت جامعه‌پذیری موفق است که اهداف آن از قبیل پذیرش فرهنگ (ارزش‌ها، هنجارها، قوانین دینی و غیردینی و آداب و رسوم جامعه)، امید دادن، تعیین هویت، نقش اجتماعی و آموختن مهارت‌ها در فرد محقق گردد. اما اگر فردی نتواند اهداف و کارکرد جامعه‌پذیری را به خوبی یاد گرفته و عملی نماید، در این صورت جامعه‌پذیری ناموفق بوده است. (ر.ک. علاقه‌بند، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۵؛ منادی؛ ۱۳۸۶: ۶۶-۷۰ و ۸۷-۸۸؛ و همان، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۴)

ناگفته نماند جامعه‌پذیری موفق، نسبی است؛ بدین‌صورت که جامعه‌پذیری موفق زمانی محقق می‌شود که فاصله بین فرهنگ و آرمان‌های جامعه با واقعیت‌ها و آنچه مردم در عمل و در زندگی روزمره خود انجام می‌دهند، بسیار کم باشد. در سطح کلان در جامعه‌ای که اولاً، فرهنگ مطرح جامعه برآیند اکثر خرده‌فرهنگ‌های گروه‌های مختلف جامعه باشد، ثانیاً ارتباط خوبی بین بخش‌ها و گروه‌های مختلف خصوصاً عوامل جامعه‌پذیری، وجود داشته باشد، جامعه‌پذیری موفق خواهد بود. (منادی، ۱۳۸۶: ۸۹)

## ۲. نقش پدر و مادر در جامعه‌پذیری فرزندان

بدون تردید کودک مدت زیادی از زندگی خود را با خانواده و پدر و مادر خود سپری می‌کند، بنابراین والدین برای کودک خود نقش بهترین معلم و الگو را به عهده دارند. کودک از والدین خود، خصوصیات اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی و دیگر گرایش‌ها و نگرش‌ها را می‌آموزد و در این زمینه از آنان تقلید می‌کند. اینکه مردم در قضاوت‌های خود، رفتارهای مختلف کودک را به حساب پدر و مادر کودک می‌گذارند، حاکی از

واقعیتی است که از مطالعات فراوان به دست آمده است. (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۵۵) بر این اساس است که قرآن کریم به بنیان‌نهادن زندگی خانوادگی بر اساس مهر و محبت توصیه ویژه‌ای می‌کند. (روم، ۳۰: ۲۱) در منابع روایی نیز بر این امر تأکید شده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۰: ۷۰۰/۱۰). همچنین نسبت به مسئولیت سنگین والدین در خصوص حقوق فرزندان تأکید و هشدار داده شده است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۸/۶؛ کوفی، بی‌تا: ۱۸۷، شعیری، ۱۳۶۵: ۷۴؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۵۵/۱)

به نظر می‌رسد قبل از ورود به بحث اصلی تذکر چند نکته مفید خواهد بود:

- آنچه والدین باید در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان مورد توجه قرار دهند این است که فرآیند جامعه‌پذیری دارای مراحل است<sup>۱</sup> و نوع فعالیت‌های کودکان در این مراحل نیز متفاوت است.<sup>۲</sup> در این صورت به طور طبیعی جلوی افراط و تفریط‌ها در این زمینه گرفته می‌شود.

- گرچه پدر و مادر در این زمینه در برخی از موارد نقش مشترکی دارند؛ اما در برخی از موارد به ویژه در زمان کودکی که کودک روابط اجتماعی عام زیادی ندارد، نقش مادر پررنگ‌تر از پدر است و در برخی از موارد به دلیل حضور و فعالیت بیشتر پدران در جامعه، نقش پدران در جامعه‌پذیری فرزندان بیشتر است.

- در این مقاله صرفاً آنچه رویکرد قرآنی دارد یعنی می‌توان از آیات قرآنی استفاده نمود، مورد بحث قرار گرفته است، استفاده از روایات فقط در جهت تبیین آیات مورد نظر است.

---

۱- «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَبْعٌ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعٌ سِنِينَ وَ وَرِيْرٌ سَبْعٌ سِنِينَ...» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱: ۴۷۷)

۲- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۷/۶؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۱۱/۸)

به هرحال، با الهام از برخی آیات نقش والدین را در این امر در هشت محور به طور اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱-۲. آموختن آداب، رسوم و مهارت‌های اجتماعی

با توجه به اینکه معمولاً پدران حضور بیشتر و فعال‌تری در جامعه داشته و شناخت بیشتری با هنجارها، ارزش‌ها و آداب، رسوم و مهارت‌های اجتماعی دارند، در این خصوص تأکید بیشتری روی پدران است که فرزندان خود را به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آنها آشنا نمایند. البته نقش مادران نیز در این زمینه به عنوان کمک کار، قابل انکار نیست. باید توجه کرد که در سنین کودکی نقش مادر در انتقال هنجارها و ارزش‌های اجتماعی برای فرزندان بسیار مهم است؛ چرا که مادر اولین واسطه میان کودک و زندگی اجتماعی است. (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۸۵: ۲/ ۸۵۸)

در آیات متعدد قرآن کریم و همچنین در منابع حدیثی، (لقمان، ۳۱: ۱۲-۱۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۶۱/۷۵) مطالب بسیار مهم و قابل تأملی در مورد ادب و آداب و مهارت‌های اجتماعی به عنوان ارزش اخلاقی و اجتماعی وارد شده است؛ برای مثال در روایتی می‌خوانیم: «بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند ادب است.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۰: ۱/ ۶۶-۶۷) در اهمیت این موضوع همین بس که بخش مهمی از آموزش کودکان در سیره معصومین (علیهم‌السلام) را آموزش آداب معاشرت و رسوم اجتماعی تشکیل می‌دهد. (ر.ک. حسین‌زاده؛ ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۸)

به عنوان مثال، مهارت‌های همسرداری، (نساء، ۴: ۳۴) ارتباط خویشاوندی، (رعد، ۱۳: ۲۱) مشورت با دیگران در تصمیم‌گیری‌ها، (آل عمران، ۳: ۱۵۹؛ صافات، ۳۷:



۱۰۲-۱۰۳) تعاون و همکاری با مردم، (مائده، ۵: ۲) اخوت و برادری و ایجاد صلح و آرامش در نزاع‌های مردمی (حجرات، ۴۹: ۱۰؛ انفال، ۸: ۱) خوش‌رفتاری و رفق و مدارا با مردم (فرقان، ۲۵: ۶۳)، کمک به محرومین و فعالیت در مؤسسات خیریه (فرقان، ۲۵: ۶۷)، حفظ عزت و احترام خود و دیگران (نساء، ۴: ۱۳۹؛ یونس، ۱۰، ۶۵؛ فاطر، ۳۵: ۱۰)، صبور و شکور بودن در زندگی اجتماعی، (ابراهیم، ۱۴: ۵) همچنین آداب سخن گفتن و سخن شنیدن، (بقره، ۲: ۸۳؛ توبه، ۹: ۱۱۹) که بسیاری از مفسرین در ذیل این آیه حدیثی از امام باقر (علیه‌السلام) بدین صورت نقل کرده‌اند: «با مردم به بهترین صورت سخن بگویند که شما نیز دوست دارید درباره شما این-گونه گفته شود.» (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۰۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۲۰) و موارد دیگر از جمله آداب و رسوم و مهارت‌های اجتماعی در جامعه اسلامی است که پدر بیشتر از مادر می‌تواند در انتقال این‌گونه ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌ها به فرزندان ایفای نقش کند. روایات فراوانی نیز در این زمینه از سوی پیشوایان دینی نقل شده است. برای نمونه در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌خوانیم: «بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان بهتر است و با مردم سازگارند و مردم را با یکدیگر سازگاری و الفت می‌دهند ... هر که از رفق و مدارا با مردم بی‌نصیب باشد، از همه خوبی‌ها بی‌نصیب مانده است.» (کریمی فریدنی، ۱۳۸۴: ۱۴۷۲ و ۳۰۵۷) همان‌طور که مشاهده می‌شود در این روایت آشتی دادن مردم با یکدیگر از ارزش‌های مهم اخلاقی و اجتماعی در جامعه اسلامی مطرح شده است که پدران با توجه به نقشی که در خانواده و جامعه دارند، در این زمینه بیشتر می‌توانند مؤثر باشند.

## ۲-۲. تقویت ارتباط فکری و عقلانی فرزندان

بر همهٔ مسلمانان روشن است که بر اساس آیات متعددی، خداوند انسان را برخلاف سایر موجودات، دارای قدرت تفکر و تعقل آفریده است و در موارد متعددی وی را به استفاده بیشتر و به فعلیت رساندن این نعمت خدادای فراخوانده است. این امر به حدی در رشد همه‌جانبهٔ انسان مؤثر است که کسانی را که در زندگی خود اهل تفکر و تعقل نیستند از جرگهٔ انسانیت به دور دانسته است! (انفال، ۸: ۲۲) در روایات نیز به این موضوع بسیار اهمیت داده شده است به حدی که مرحوم کلینی در کتاب نفیس خود به نام اصول کافی بابی را تحت عنوان «عقل و جهل» باز نموده است. از میان روایات بی‌شمار به عنوان نمونه به حدیثی منقول از امام رضا (علیه السلام) اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «دوست هر شخصی عقل اوست و دشمنش جهل او». (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۱۱؛ صدوق، بی‌تا: ۱۰۱/۱)

نکتهٔ قابل توجه این است که از آموزه‌های دینی چنین استفاده می‌شود که با انجام دادن کارهای مثبت و ارزشی دینی، عقل انسان تقویت و کامل می‌شود و با انجام دادن کارهای منفی و ضد ارزش، عقل انسان نیز تضعیف می‌گردد. به عنوان مثال امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«خوش اخلاق‌ترین مردم عاقل‌ترین آنهاست». (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۳)

خوش اخلاقی که یک رفتار ارزشی محسوب می‌گردد، موجب عاقل‌تر شدن انسان می‌گردد و بالعکس طبق روایتی عجب و خودبینی شخص، موجب ضعف عقل او خواهد بود. (کلینی، همان: ۲۷، کراجکی، ۱۴۱۰: ۱/۲۰۰)

بر این اساس پدران در مرحلهٔ اول که نوعاً از لحاظ قدرت تعقل با زنان تفاوت دارند، (بستان و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۹-۴۰) و در مادران در مرحلهٔ بعدی باید عملاً قوهٔ تفکر و اندیشهٔ فرزندان خود را تقویت نمایند. در برخی از موارد ممکن است با

آموزش گزاره‌های دینی در این خصوص به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در این جهت قدم بردارند و در بسیاری از موارد رفتارها و تصمیمات مختلف ناشی از تأمل و تفکر در طول زندگی با فرزندان در موقعیت‌های مختلف انجام می‌دهد، این نقش را ایفا می‌نماید. در نتیجه اگر پدران و مادران بتوانند فرزندان خود را اهل تأمل و اندیشه و تعقل تربیت نمایند، در زندگی اجتماعی بیشتر می‌توانند موفق باشند و در غیر این صورت موجب طرد از سوی جامعه خواهد بود.

## ۲-۳. انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه

فرهنگ شامل اعتقادات، آداب و رسوم، علوم و فنون و اخلاقیات هر جامعه است. ۲-۳-۱. تربیت اعتقادی و دینی: در فرهنگ قرآن کریم تربیت اعتقادی و دینی فرزندان بسیار حائز اهمیت است که در ادامه بحث به طور اختصار به دو مورد اشاره می‌شود. آیات و روایات متعددی داریم که به والدین به ویژه پدر توصیه‌ی اکید می‌کند که اعضای خانواده خود را به نماز و عبادت وادارد و آن‌ها را به سوی خداوند هدایت کنند. (طه، ۲۰؛ ۱۳۲؛ مریم، ۱۹؛ ۵۴ و ۵۵؛ کلینی، پیشین: ۳۷/۵)

در ذیل تفسیر آیه «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش، حفظ کنید» (تحریم؛ ۶:۶۶) برخی از مفسرین ظاهراً برآنند که مخاطب «آمنوا» پدران و مراد از «اهل» همسر و فرزندان است که آیه مذکور مسئولیت تربیتی وی را در قبال آنان متذکر شده است. (برای نمونه رک. طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۷/۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۵۶۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۷/۳۶۶)

و روایات متعددی با محتوای نزدیک به هم نقل می‌کنند.

مثلاً روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کنند که زمانی مردی از مسلمانان، نشست و گریه کرد و گفت: من از حفظ خود عاجزم، اکنون مسئولیت خانواده‌ام نیز بر

دوش من گذاشته شد! پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «برای تو همین کافی است که به آنچه خودت را بدان فرمان می‌دهی، آنان را نیز فرمان دهی، و از آن چه که خودت را نهی می‌کنی، آنان را نیز نهی کنی.» (قمی، ۱۳۶۸: ۱۳/۳۳۵؛ مراغی، بی تا: ۲۸/۱۶۳) ولی برخی از مفسرین برآنند که لفظ «آمنوا» عام است و شامل هریک از پدران و مادران می‌شود و هر دو وظیفه سنگینی در این زمینه دارند. (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۶/۳۶۱۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۸/۴۴۲) به نظر می‌رسد دیدگاه دوم با ظواهر آیه مذکور و سایر آیاتی که زن و مرد مؤمن را با لفظ «آمنوا» خطاب کرده و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی آنان را گوشزد نموده است، همخوانی بیشتری دارد.

بنابراین یکی از وظایف والدین در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان در جامعه اسلامی، تربیت اعتقادی و دینی آن‌ها به روش صحیح است. چرا که اگر افراد در جامعه با مفاهیم اعتقادی و دینی کاملاً آشنایی داشته و زندگی خود را براساس آن سامان داده باشند، در انتقال ارزش‌های مثبت و سازنده و سرنوشت‌ساز به راحتی از یک نسل به نسل دیگر موفق‌تر خواهند بود.

۲-۳-۲. آداب و رسوم جامعه که یکی از عناصر مهم فرهنگ، است در بخش اول یعنی (آموختن آداب، رسوم و مهارت‌های اجتماعی) بررسی شد.

۲-۳-۳. علم و دانش یکی دیگر از عناصر فرهنگ جامعه اسلامی است که در آیات متعدد قرآن کریم (به عنوان نمونه: آل عمران، ۳: ۱۶۴؛ مجادله، ۵۸: ۱۱؛ زمر، ۳۹: ۹؛ نحل، ۱۶: ۴۳) و روایات بی‌شماری به این امر تأکید شده است. با توجه به اینکه در فرهنگ قرآنی سرپرستی خانواده بر عهده پدر است، بر اساس روایاتی مانند «مروا اولادکم بطلب العلم؛ فرزندان خود را به طلب علم و دانش وادار کنید.» (متقی هندی،

۱۴۰۱: ۵۸۴/۱۶) پدران در خانواده، باید با آماده کردن زمینه و با تشویق فرزندان خود به فراگیری علم و دانش دینی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۲۴۳) و در مرحله بعد دانش مورد نیاز در جامعه، آنان را در مسیر کسب دانش و معرفت یاری کنند. اینکه قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را مورد خطاب قرار می‌دهد و به طور مطلق می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (زمر، ۳۹: ۹) نشانگر این است که از منظر قرآنی علم و دانش یک شعار اساسی است و نشانگر منزلت و موقعیت بالای دانش و دانشمندان در مقابل جهل و جهال پیش خداوند متعال و عقلاء عالم است. این دو گروه نه در دنیا و نه در آخرت در یک مرتبه قرار ندارند و ظاهر و باطنشان نیز مختلف است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳۴ / ۱۵)

۲-۳-۴. حرفه و فن نیز جزء دیگر فرهنگ قرآنی به شمار می‌آیند. در این فرهنگ الهی اشتغال و یادگرفتن فنون یک اصل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۲۱) و به آن توصیه‌های زیادی شده است. به حدی که پیامبران الهی نیز به عنوان الگو برای جامعه، همواره کار می‌کردند؛ از چوپانی گرفته، تا خیاطی، زره‌بافی و کشاورزی<sup>۱</sup>، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۲۱) نجاری (هود، ۱۱: ۳۷) و تجارت. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۶۹) چرا که کار علاوه بر اینکه اثر تربیتی دارد، هم موجب احساس شخصیت و استقلال فرد (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۲۴) و هم موجب نوعی اعتماد و آرامش روانی وی می‌شود. (میلانی‌فر؛ ۱۳۸۸: ۱۸۸) روشن است شخصی که در زندگی خود از اعتماد به نفس و آرامش روانی برخوردار باشد، بهتر می‌تواند فرآیند جامعه‌پذیری را طی کرده و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را درونی نماید.

---

۱. «...وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَّاعًا إِلَّا إِدْرِيسَ عَ فَإِنَّهُ كَانَ خَيْطًا». (حرعاملی، پیشین: ۱۷ / ۴۲)

به هر حال، از منظر اسلام کار و کارگری علاوه بر فواید اقتصادی، از ارزش معنوی بالایی برخوردار است. به تعبیر استاد شهید مطهری (ره) در زبان دین وقتی می‌خواهند تقدس چیزی را بیان کنند به این صورت بیان می‌کنند که خداوند فلان چیز را دوست دارد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۱۱) در مورد اشتغال و یادگیری فنونی که برای دنیا و آخرت انسان نفعی داشته باشد، نیز چنین است. روایات زیادی در این زمینه از سوی مفسران حقیقی قرآن کریم نقل شده است. برای مثال در روایتی از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحِبُّ الْمُحْتَرَفَ الْأَمِينِ؛ (کلینی، پیشین، ۵: ۱۱۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۵۸ / ۳) خداوند کسی را که دارای شغل و حرفه باشد و امانتدار نیز باشد، دوست می‌دارد». همچنین بر اساس روایات دیگر کار و کارگری عبادت (کلینی، پیشین: ۷۸ / ۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۳۲۴ / ۶؛ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۶۶) حتی در جرگه جهاد (کلینی، پیشین: ۸۸ / ۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۲) مطرح شده است. نکته قابل توجه این است که در فرهنگ قرآنی همان طوری که به اشتغال و آموختن فنون مفید مورد نیاز جامعه تشویق شده است، بیکاری و نداشتن اشتغال به شدت نکوهش شده است؛ در حدیث معروف نبوی است که فرمودند: «كُلُّ مَنْ كَلَّ مَرْدَمٌ يَأْتِيهِمْ» (کلینی، پیشین: ۱۲ / ۴ و ۷۲ / ۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷؛ راوندی، ۱۴۰۵، ۲: ۳۱) یعنی خودش کار نکند و هزینه مادی و اقتصادی خود را بر دوش مردم بیاندازد.

برای همین پیامبر خدا همواره مردم را با عبارات مختلفی به کار و آموختن فنون لازم تشویق و تأکید می‌کردند. مثلاً در روایتی آمده است که فرمودند: «كُلُّوا مِنْ كَدِّ أَيْدِيكُمْ؛ از دسترنج خود بخورید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۳ / ۳۱۴) یا اینکه وقتی در حضور مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره کسی سخن می‌گفتند که

فلانی چنین و چنان است، حضرت می‌پرسید کارش چیست؟ اگر می‌گفتند کار ندارد، می‌فرمود در چشم من دیگر ارزشی ندارد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۱۱)

بنابراین نقش و مسئولیت والدین به ویژه پدران در جهت تشویق و آموزش مستقیم یا غیر مستقیم فرزندان خود به انجام کار و داشتن شغل (یدی یا فکری) به عنوان ارزش و هنجارهای اجتماعی نیز برجسته است؛ البته نقش مادران نیز در این زمینه در جهت آموزش فرزندان دختر بسیار مهم و اساسی است.

۲-۳-۵. تربیت اخلاقی: گرچه بعضی بر این نظرند که تربیت اخلاقی با جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن متفاوت است. دلیل‌شان هم این است که هدف نهایی جامعه‌پذیری با تربیت اخلاقی متفاوت است. در جامعه‌پذیری هدف آموزش و انتقال آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی به افراد است تا بتواند در جامعه به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کرده و مطرود جامعه واقع نشود. ولی در تربیت اخلاقی هدف اصلی تربیت افرادی است که عمیقاً با ارزش‌های اخلاقی مطلوب جامعه آشنا بوده و به صورت آگاهانه بر اساس آن زندگی می‌نمایند. (داودی؛ ۱۳۸۹: ۱۷) ولی باید توجه داشت داشت که نه تنها تربیت اخلاقی با جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن متفاوت نیست، بلکه بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری است. (کاردان، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

آیات متعددی به جزئیات مسائل اخلاقی پرداخته است. تواضع و فروتنی (فرقان، ۲۵: ۶۳) و خوش اخلاقی در رفتارهای اجتماعی (آل‌عمران، ۳: ۱۵۹)، صداقت و راستی (مائده، ۵: ۱۱۹)، وفای به عهد، (اسراء، ۱۷: ۳۴) امانت‌داری، (نساء، ۴: ۵۸) صبر و حوصله، (بقره، ۲: ۱۵۳) عفت و غیرت (یوسف، ۱۲، ۳۲-۳۳) از جمله این موارد است که پدران و مادران به عنوان مسئول اصلی تربیت فرزندان در خانواده بدون افراط و تفریط و با استفاده از روش‌های تربیت اخلاقی معصومین (علیهم‌السلام)

ارزش‌های اخلاقی (ر.ک. داودی، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۵۵) را به طور مستقیم و غیرمستقیم به آنان آموزش و انتقال دهند.

## ۲-۴. تربیت اقتصادی

بدون تردید در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان، تربیت اقتصادی آنان، بسیار با اهمیت است. همان‌طور که در آموزه‌های قرآن کریم اهمیت این نوع تربیت، کمتر از اهمیت تربیت دینی و فرهنگی نیست، زیرا آثار مادی و معنوی زیادی در سبک زندگی آنان خواهد داشت. (امامی، ۱۳۹۵: ۷۹) از آیات متعددی می‌توان استفاده نمود که مبانی تربیت اقتصادی فرزندان در جامعه اسلامی که با تربیت اقتصادی غیر اسلامی تفاوت اساسی دارد. توجه به مسائل اعتقادی در کنار فعالیت‌های اقتصادی، (نور، ۲۴: ۳۷) اعتدال و میانه‌روی، (انعام، ۶: ۱۴۱؛ فرقان، ۲۵: ۶۷) رعایت حقوق دیگران، (انعام، ۶: ۱۴۱) توجه و رسیدگی به فقرا، (بقره، ۲: ۲۶۱؛ معارج، ۷۰: ۲۴-۲۵) و ... از جمله این موارد هستند. بر این اساس والدین به ویژه پدران که نقش اقتصادی آنها در خانواده و جامعه پررنگ‌تر از مادران است، در این زمینه باید با افزایش اطلاعات خود در این‌گونه مسائل بتوانند به طور صحیح در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان خود نقش ایفا نمایند. تا فرزندان بتوانند به صورت تدریجی با حقوق و وظیفه اقتصادی خود در خانواده و جامعه آشنا شده و عمل نمایند.

## ۲-۵. ایجاد انضباط و رعایت ضوابط در زندگی اجتماعی

بدون تردید یکی از مواردی که والدین باید در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان خود مورد توجه جدی قرار دهند، آموزش مستقیم و غیر مستقیم انضباط و رعایت ضوابط در زندگی اجتماعی آنهاست.



یکی از نویسندگان در حوزه روان‌شناسی در این زمینه می‌نویسد: «هدف از انضباط این است که کودک را قادر به سازش با قوانین و مقرراتی که فرهنگ یک گروه پذیرفته است، بنماید، به طوری که او رفتار خود را با توقعات و خواست‌های گروه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، هماهنگ نماید. رعایت قوانین و مقررات نه تنها برای حفظ آداب و رسوم حائز اهمیت است، بلکه برای شادی، سازش و آرامش خود کودک نیز اهمیت دارد. وینسنت و مارتین در این مورد گفته‌اند: «هر فردی برای اینکه نیازها و آرزوهایش را با دیگران مطابقت دهد و مورد قبول و احترام آنها واقع شود، نیاز به انضباط و قوانین رفتاری دارد» (بدری، ۱۳۶۴: ۱۸۳).

در آموزه‌های قرآن کریم به ایجاد نظم و انضباط در زندگی اجتماعی اهمیت زیادی داده شده است. چرا که اساس آفرینش جهان هستی بر نظم استوار است. (آل عمران، ۳: ۱۹۰؛ قمر، ۵۴: ۴) افزون بر نظم در تکوین و آفرینش، در امور تشریحی و نیز با وضع قوانین و مقرراتی در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها اعم از عبادی و غیر عبادی، مسلمانان را به رعایت نظم فراخوانده است. (بقره، ۲: ۱۸۷ و ۲۲۹؛ نور، ۲۴: ۶۲) به طوری که امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «الا إن فیه علم ما یأتی و الحدیث عن الماضي و دواء دائکم و نظم ما بینکم»؛ آگاه باشید که علم و آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد (نادانی و گمراهی) و نظم و ترتیب زندگی روزمره شما در قرآن (آمده) است». (سید رضی، ۱۳۷۷، خطبه ۱۵۷) برقراری نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی به قدری در سعادت انسان‌ها اهمیت دارد که ایشان در بستر شهادت و در آخرین پیام خود، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخوانده است: «اوصیکما و جمیع اهلی و ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم». (سید رضی، ۱۳۸۱: نامه ۴۷)

با توجه به این که مادر در خانواده مظهر مهر و عاطفه و پدر مظهر عدل و انضباط است، (قائمی، ۱۳۸۸: ۱۵۶؛ ویلیام سیرز؛ ۱۳۷۴: ۱۰۲-۱۰۳) پدر بیشتر از مادر در این زمینه مسئولیت دارد و می‌تواند نقش ایفا نماید. همان‌طوری که در متون اسلامی توصیه‌های انبیاء و اولیای الهی به عنوان پدر به فرزندان خود با عناوینی مانند «بنی» یا «اوصیک، یا اوصیکم .... نظم امرکم» و امثال آن مطرح است.

در برخی از منابع دانشمندان غیر اسلامی نیز بر اهمیت نقش پدر در این زمینه تأکید شده است. برای مثال، ویلیام سیرز، پزشک متخصص کودکان، در خصوص بروز مشکلات انضباطی کودکان که غالباً در غیبت پدر ایجاد می‌شود، می‌نویسد: «من همه کتاب‌ها و مقالات را در این زمینه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌ام که هرچند این غیبت به یک اندازه بر پسر و دختر اثر می‌گذارد؛ اما به نظر می‌رسد که پسرها بیش از دخترها از آن زیان می‌بینند. ضمن یک بررسی، دریافته‌اند که پسرهایی که در اوان کودکی از پدرهاشان جدا مانده‌اند در بزرگسالی، در اتخاذ نقش‌های مردانه با دشواری بیشتری روبه‌رو بوده‌اند. در این بررسی، همچنین دیده شده است که پسرها، خصوصاً در اولین مراحل رشد، یعنی زمانی که یاد می‌گیرند هیجانات خود را مهار کنند، نسبت به غیبت پدر از خانه آسیب‌پذیرند. محققان عقیده دارند که پسرهای کوچک در مراحل تکوین شخصیت به پدر نیاز دارند تا آن‌ها را در مهار کردن تمایلات تهاجمی جنس مذکر که ذاتی آنهاست یاری کند. دخترهایی که بدون پدر پرورش یافته‌اند در روابط بعدی‌شان با جنس مذکر مشکلات بیشتری داشته‌اند. همچنین گزارش معلمان درباره پسرهای خانواده‌هایی که پدر در آن‌ها حضور نداشته، حاکی از آن است که رشد اخلاقی این فرزندان پیشرفت کمتری داشته است» (ویلیام سیرز؛ ۱۳۷۴: ۷۳-۷۴).

## ۲-۶. تکریم فرزندان

بدون تردید مورد تکریم و احترام قرار گرفتن، یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان به شمار می‌رود. کودک نیز از این موضوع استثناء نیست و یکی از عوامل مهم پرورش شخصیت کودک همان احترام و تکریم وی است. تکریم فرزندان بدین صورت می‌تواند در فرآیند جامعه‌پذیری آنان ایفای نقش نماید که کودکی که در خانواده مورد تجلیل و احترام قرارگیرد، بزرگوار و با شخصیت بار می‌آید و آدمی که این‌گونه باشد، سعی می‌کند مرتکب اعمال و رفتاری که مورد پسند جامعه نیست، نشود؛ به عبارت دیگر رفتارهای هنجارشکنانه انجام نمی‌دهد. بلکه کارهایی که موجب عزت‌مندی و احترام وی و دیگران است را در جامعه انجام می‌دهد. (امینی، ۱۳۸۱: ۱۹۲-۱۹۳) بی‌شک چنین افرادی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به افراد و نسل دیگر موفق‌تر خواهد بود.

برای همین است که در فرهنگ قرآن کریم به تکریم و احترام کودکان از سوی والدین سفارش شده است. مثلاً زمانی که حضرت لقمان فرزند خود را موعظه می‌کرد با به کار بردن واژه عاطفی و محترم «یا بُنّی» (لقمان، ۳۱: ۱۳) همچنین در وصیت حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب (علی نبینا و آله و علیهم السلام) (بقره، ۲: ۱۳۲) از همین واژه عاطفی و تکریم‌آمیز استفاده می‌کنند. پیشوایان دینی نیز به عنوان مفسران حقیقی قرآن کریم بر این امر تأکید نموده‌اند. برای مثال، در حدیثی پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «أکرّموا اولادکم و أحسنوا أدبهم یغفرلکم». (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۶؛ مجلسی، پیشین: ۱۰۱/۹۵)

پیشوایان دینی به عنوان پدر و الگو برای همه انسان‌های موحد، افزون بر سفارش دیگران به تکریم و احترام به کودکان، خودشان به شیوه‌های گوناگون آنان را عملاً

مورد احترام و تکریم قرار می‌دادند. برای مثال، برخاستن و استقبال از فرزند به هنگام ورود او به مجلس، سلام کردن به کودکان، پذیرش دعوت کودکان و دعوت از آنها برای میهمانی، جای دادن کودکان در صفوف جماعت، عیادت از کودکان بیمار، با احترام صدا کردن، شرکت در بازی کودکان، پرهیز از خشونت با کودکان و شخصیت دادن به کودکان (ر.ک: حسینی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۰۷-۱۱۴) از جمله این موارد بود. بنابراین، گرچه روایات مطلق بوده و این تکلیف شامل هر دو والدین است، اما از توجه به شیوه‌های گوناگون تکریم فرزندان توسط معصومین (علیهم السلام) چنین استناد می‌شود که در این زمینه نقش پدران بیشتر از مادران است؛ زیرا همه یا اکثر موارد بالا مربوط به امور اجتماعی می‌شود که طبیعتاً پدران بیشتر در جامعه حضور دارند و بیشتر می‌توانند در این زمینه نقش ایفا کنند.

## ۲-۷. تسهیل در ازدواج فرزندان

ازدواج یک ارزش دینی و اجتماعی در جامعه اسلامی است. ازدواج افزون بر اینکه دارای آثار معنوی، اخلاقی و عاطفی برای زن و شوهر است و از بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی جلوگیری می‌کند، منشأ روابط اجتماعی نیز است. تزویج بی‌همسران از سوی قرآن کریم همواره مورد تأکید قرار گرفته؛ در آیه ۳۲ سوره نور به صراحت می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا قُرَّاءَ يُعْطِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (نور: ۳۲) گرچه برخی از مفسرین مخاطب واژه «انکحوا» را همه مردم مؤمن دانسته‌اند؛ (برای نمونه ر.ک. قمی، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۰۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۲۱۹؛ سیدبن قطب، ۱۴۱۲: ۴/ ۲۵۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵/ ۴۱۹؛ رواندی، ۱۴۰۵: ۲/ ۷۵) ولی برخی دیگر مخاطب آن را اولیاء مردان و زنان بی‌همسر

دانسته‌اند. (برای نمونه رک. مراغی، بی تا: ۱۰۳/۱۸؛ حلی سیوری، ۱۴۱۹: ۲/۱۳۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۱۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۹/۳۴۲؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۲/۲۶۹) البته به نظر می‌رسد هر دو تفسیر منافاتی با یکدیگر نداشته باشد. بدین توضیح که در ابتدا مسئولیت تزویج فرزندان به معنای فراهم نمودن مقدمات مادی و معنوی ازدواج آنها بر عهده اولیاء است (مراغی، پیشین: ۱۰۳؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۴۵۷/۱۴) و در صورت عدم توانایی مسئولیت بر عهده جامعه اسلامی خواهد بود. همان‌طوری که در روایات اسلامی نیز ازدواج فرزندان را یکی از وظایف پدران شمرده است. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۱/۸۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۰) اگر مراد از تزویج اولیاء را فراهم نمودن مقدمات ازدواج معنا کنیم، دیگر تفاوتی بین مادران و پدران در این زمینه نخواهد داشت.

به هر حال، بر اساس آیه ۲۱ سوره روم، همان‌طوری که برخی از مفسرین چنین برداشت نموده‌اند، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۶) ازدواج مایه آرامش هر یک از زن و مرد معرفی شده است؛ فردی که از نظر روانی آرامش بیشتری داشته باشد، بهتر و بیشتر می‌تواند به صورت صحیح هنجارها و ارزش‌های جامعه را به دیگران انتقال دهد.

## ۲-۸. تربیت بدنی و جسمانی فرزندان

شکی نیست در این که آمادگی جسمانی و بدنی انسان در روابط اجتماعی و جامعه‌پذیری او بی‌تأثیر نیست؛ زیرا شخصی که از سلامت جسمی و بدنی کامل برخوردار است به راحتی می‌تواند با دیگران انس گرفته و از جامعه‌پذیری بهتری برخوردار گردد. در آموزه‌های قرآن کریم برای تندرستی و قوی بودن انسان اهمیت ویژه‌ای قائل است. از آیات متعددی می‌توان استفاده نمود که قوی شدن یک ویژگی مثبت و مورد تأیید قرآن کریم است که بدون تردید برنامه‌ریزی اولیا برای ورزش کردن فرزندان

یکی از اصلی‌ترین عامل این ویژگی در دنیای جدید است. (ر.ک. بقره، ۲: ۲۴۷؛ انفال، ۸: ۶۰؛ اعراف، ۷: ۶۹؛ فصلت، ۴۱: ۱۵) به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌شود. در آیه ۱۵ سوره قصص در جریان برخورد حضرت موسی (ع) با آن دو نفری که درگیری فیزیکی داشتند، می‌خوانیم: «فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ»؛ در این آیه حضرت موسی (ع) مردی قوی و نیرومند معرفی شده است که تنها با زدن یک مشت به آن مرد، وی از پا در می‌آید. همچنین براساس آیه شریفه «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»؛ (بقره، ۲: ۲۴۷) خداوند به خاطر دو ویژگی طالوت یعنی توانایی علم و قدرت بدنی او را به رهبری برگزید. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲/۲۳۸) نشان از اهمیت علم در کنار قدرت بدنی در پیشبرد اهداف و رسالت الهی دارد. در روایات اسلامی نیز داشتن بدنی قوی مورد تشویق قرار گرفته است. به عنوان مثال، در حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که اسلام آورده .... و دارای بدنی توانا و نیرومند است.» (راوندی، بی‌تا: ۴) برای همین است که در اسلام از وظایف والدین، توجه به تغذیه سالم و شرعی فرزندان، (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴: ۴۴۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۰: ۷۲۰/۱۰) بازی با کودکان (حرعاملی، پیشین: ۲۱/۴۸۶) و تعلیم انواع ورزش‌های مورد تأیید شرع به آنان، (مانند تیراندازی، اسب‌سواری، فراگیری شنا و ...) (کلینی، پیشین: ۴۷/۶) است. بی‌شک نقش بازی با کودک نیز در جامعه‌پذیری وی غیرقابل انکار است. چرا که در بازی ضمن اینکه طرز ابراز عواطف مختلف و کنترل تدریجی عواطف خود را یاد می‌گیرد، از لحاظ اجتماعی و عقلانی نیز رشد پیدا می‌کنند. از آیه شریفه «أَرْسَلْنَاهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ (یوسف، ۱۲: ۱۲) استنباط می‌شود که اولاً باید والدین برای تربیت بدنی و بازی فرزندان خود برنامه‌ریزی هدفمند داشته باشند؛ ثانیاً

نیاز حضرت یوسف (ع) به تفریح و بازی، قوی‌ترین منطقی بود که موجب گردید حضرت یعقوب (ع) علی‌رغم میل باطنی تسلیم خواسته فرزندان شود. (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۴۲/۶)

یکی از صاحب‌نظران علوم تربیتی نیز در این خصوص می‌نویسد: «مشکلاتی که کودک در بازی با آن‌ها روبرو می‌شود و کوشش وی برای حل آنها، قدرت او را برای برخورد با مسائل در دوره‌های بعدی زندگی افزایش می‌دهد. شرکت بچه در بازی او را از حال تفرد خارج می‌سازد و روح همکاری، اشتراک مساعی و رفاقت را در او به وجود می‌آورد». (شریعتمداری، ۱۳۸۷: ۱۲۴) همچنین کودک در بازی نحوه برخورد با فرد بیگانه و روابط اجتماعی با دیگران و چگونگی حل مشکلات و مسائل ناشی از آن را یاد می‌گیرد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۲۵۸-۲۶۱)

براین اساس والدین براساس اقتضاء جسمی و روحی فرزندان خود باید در این زمینه نیز وظیفه خود را انجام دهند و با برنامه‌ریزی درست و هدفمند فرزندان خود را قوی و سالم به جامعه تحویل دهند.

### ۳. نتیجه‌گیری

براساس مطالبی که در متن مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

- جامعه‌پذیری آثار متعددی دارد مانند انتقال فرهنگ جامعه، از یک نسل به نسل بعد، درونی کردن ارزش‌ها و باورهای اساسی اخلاقی و اجتماعی جامعه، توانمند شدن انسان برای برآورده کردن نیازهای خویش به شیوه‌های قابل قبول جامعه، کسب دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی و ...

- زمانی می‌توان گفت جامعه‌پذیری موفق است که اهداف آن از قبیل پذیرش فرهنگ (ارزش‌ها، هنجارها، قوانین دینی و غیردینی و آداب و رسوم جامعه)، تعیین هویت، نقش اجتماعی و آموختن مهارت‌ها در فرد محقق گردد. اما اگر فردی نتواند اهداف و کارکرد جامعه‌پذیری را به خوبی یاد گرفته و عملی نماید، در این صورت جامعه‌پذیری ناموفق بوده است.

- در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان عوامل مختلفی دخیل هستند که والدین به عنوان اولین و مهم‌ترین عامل به شمار می‌رود. زیرا پدر و مادر است که مسئولیت اصلی جامعه‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیهٔ زندگی به عهده دارند. چرا که کودکان نخستین روابط اجتماعی خود را توسط خانواده برقرار می‌کنند. کودکان از والدین خود، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی را می‌آموزند و در این زمینه از آنان تقلید می‌کنند.

- گرچه پدر و مادر در این زمینه در برخی از موارد نقش مشترکی دارند؛ اما در برخی از موارد به ویژه در زمان کودکی که کودک خیلی روابط اجتماعی عام ندارد، نقش مادر پررنگ‌تر از پدر است و در برخی از موارد به دلیل حضور و فعالیت بیشتر پدران در جامعه، نقش پدران در جامعه‌پذیری فرزندان بیشتر است.

با الهام از آیات متعدد قرآن کریم و برخی از روایات به عنوان تفسیر آیات مذکور، می‌توان گفت آموختن آداب، رسوم و مهارت‌های اجتماعی، تقویت ارتباط فکری و عقلانی فرزندان، انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه، تربیت اقتصادی، ایجاد انضباط و رعایت ضوابط در زندگی اجتماعی، تکریم فرزندان، تسهیل در امر ازدواج فرزندان و تربیت بدنی و جسمانی آنان از مهم‌ترین مواردی هستند که پدران و مادران باید در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان خود نقش خود را به خوبی ایفا نمایند.



## کتابنامه

- قرآن کریم (ترجمه: عبدالحمید آیتی)
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی ابی محمدالحسن، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فهد حلی، (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی؛ بی‌جا: انتشارات دارالکتاب الاسلامی.
- امامی، محمد، (۱۳۹۵ش)، نگاهی قرآنی به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان، مجله آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۳.
- امینی، ابراهیم؛ (۱۳۸۱ش)، تربیت، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ: اول، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثة - قم: بنیاد بعثت.
- بدری، مقدم، (۱۳۶۴ش)، کاربرد روان‌شناسی در آموزشگاه، چاپ سوم، تهران، سروش.
- بستان، حسین، دهقان‌نژاد، رضا، (۱۳۹۷ش)، زن در قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- بلاغی نجفی، محمد جواد، (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بی‌ریا، ناصر و دیگران، (۱۳۸۵ش)، روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسین‌زاده، سید علی؛ (۱۳۹۰ش)، تربیت فرزند؛ چاپ دهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی جرجانی، سید امیرابوالفتح، (۱۴۰۴ق)، آیات الأحکام، تهران: انتشارات نوید.

حلی سیوری (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله، (۱۴۱۹ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، بی‌جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

داودی، محمد، (۱۳۸۹ش)، تربیت اخلاقی، چاپ سوم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. رابرتسون، ایان، (۱۳۹۰ش)، درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)، ترجمه حسین بهروان، چاپ پنجم، مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

راوندی، سید فضل الله، (بی‌تا)، نوادر الراوندی، قم: انتشارات مؤسسه دارالکتاب. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

رجب‌زاده، احمد و دیگران، (۱۳۹۱ش)، مطالعات اجتماعی (سال اول دبیرستان)، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰ش)، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.

سلیمی، علی، داوری، محمد، (۱۳۸۷ش)، جامعه‌شناسی کجروی، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دارالشروق. سید رضی، ابوالحسن محمد بن ابی‌احمد، (۱۳۸۱ش)، نهج‌البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).

\_\_\_\_\_، (۱۳۷۷ش)، نهج‌البلاغه؛ ترجمه و شرح سیدعلی نقی فیض الاسلام، چاپ هفتم، بی‌جا: انتشارات فیض الاسلام.

شریعتمداری، علی، (۱۳۸۷ش)، روانشناسی تربیتی، چاپ بیستم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

شعیری، تاج‌الدین، (۱۳۶۵ش)، جامع الأخبار، یک جلد، قم: انتشارات رضی.

## نگاهی قرآنی به نقش پدر و مادر در جامعه‌پذیری فرزندان / رضا دهقان نژاد ۱۹۱

صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

صدوق، شیخ ابی جعفر محمد بن علی، (بی‌تا)، علل الشرایع، قم: مکتبه‌الداوری.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین

حوزه علمی قم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۱ش)، معانی الاخبار، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ش)، روابط اجتماعی در اسلام، چاپ دوم، قم: دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طبرسی (رضی‌الدین)، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق؛ قم: انتشارات شریف‌رضی.

طوسی، شیخ ابی جعفر محمد بن حسن، (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام؛ تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

علاقه‌بند، علی، (۱۳۹۰ش)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ چهل و نهم، تهران: نشر روان.

قائمی، علی، (۱۳۸۸ش)، نظام حیات خانواده در اسلام؛ چاپ یازدهم، تهران: انتشارات انجمن

اولیاء و مربیان.

قزائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، چاپ: یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، (۱۴۰۴ق)، التفسیر القمی؛ قم: انتشارات مؤسسه دارالکتاب.

قمی، مشهدی محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ تحقیق:

حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کاردان، علی محمد، (۱۳۸۴ش)، اصول و قواعد اساسی در تربیت اجتماعی، نشریه مسائل

کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۵۶.

- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کراجکی، ابوالفتح، (۱۴۱۰ق)، کنزالفوائد؛ قم: انتشارات دارالذخائر.
- کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۴ش)، نهج الفصاحة (برگردان و نگارش پرتوی از پیام پیامبر (ص))؛ چاپ اول، قم: نشر حلم.
- کوفی، محمدبن محمد ابن اشعث، (بی تا)، الجعفریات؛ تهران: چاپ مکتبه نینوی الحدیثه.
- کونن بروس، (۱۳۹۰ش)، میانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات سمت.
- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: بکری حیانی و صفوه السقا، چاپ پنجم، مدینه، انتشارات مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۹ش)، حکمت نامه کودک، همکار و مترجم عباس پسندیده، چاپ پنجم، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۰ش)، میزان الحکمه؛ چاپ سوم، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.

- مراغی، احمد بن مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مرادزاده، فرهاد، (۱۳۷۲ش)، جامعه پذیری، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۱۷.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹ش)، تعلیم و تربیت در اسلام؛ چاپ سی و پنجم، تهران، انتشارات صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ش)، سیری در سیره نبوی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ق)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، چاپ اول، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- منادی، مرتضی، (۱۳۸۵ش)، جامعه شناسی خانواده، چاپ اول، تهران: نشر دائره.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ش)، درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری، چاپ اول، تهران: انتشارات جیحون.

منسوب به علی بن موسی (ع)، (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا (ع)، بی‌جا: کنگره جهانی امام رضا (ع).  
میلانی‌فر، بهروز؛ (۱۳۸۸ش)، بهداشت روانی؛ چاپ یازدهم، تهران: نشر قومس.  
نوری، میرزاحسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).  
ویلیام سیرز، (۱۳۷۴ش)، پدر و پرورش فرزند، ترجمه پروین فرهادی، چاپ اول، تهران: انتشارات ماد.

## Bibliography

**Holy Quran**, Translated by Abdolhamid Ayati.

- Alousi, Seyyed Mahmoud (1415AH). *Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Beirut, Dar al-Kitab Al-Elmiya.
- Ibn Sho'ba Harrani, Abi Mohammad al-Hassan (1404AH). *Tohaf Al-Ogool An Al Al-Rasul* (PBUH); Qom, Qom Seminary Society of Teachers press.
- Ibn Fahad Helli (1407 AH). *Oddat al-Da'i*; placeless, Dar al-Kitab al-Islami press.
- Emami, Mohammad (1395 SH). *Quranic view to the role of models in children's economic education*, Quranic teachings journal, No. 23.
- Amini, Ebrahim (1381 SH). *Education*, first edition, Qom, Book Garden Institute.
- Bahrani, Seyyed Hashem (1416 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*, first edition, research: Islamic Studies Section, Al-Baath Institute, Qom, Baath Institution press, Tehran.
- Badri, Moghadam (1364 SH). *Application of psychology in schools*, third edition, Tehran, Soroush press.
- Bostan, Hossein, Dehghan Nejjhad. Reza (1397 SH). *Women in the Qur'an*, first edition, Qom, Research Institute of Seminary and University, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (SAMT) and Humanities Research and Development Institution presses.
- Balaghy, Najafi, Muhammad Javad (1429 AH). *Ala-al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*, Qom, Ba'ath Institution.
- Beyzawi, Abdullah ibn Omar (1418 AH). *Anwar al-Tanzir and Asrar al-Tavil*, Beirut, Dar al-ehyaya al-Torath al-Arabi.
- Bi riya, Nasser and others (1385 SH). *Psychology of development* (2) with an attitude to Islamic sources, 4th edition, Tehran, SAMT press.

- Horr –Ameli, Muhammad ibn Hasan (1409 AH). Vasaelo al-Shi'a, Qom, Al-Al-Bayt Institution.
- Hosseinzadeh, Seyyed Ali (1390 SH). children education; 10th edition, Qom, Seminary Research Institute and University.
- Hosseini Jorjani, Seyyed Amir Abol Fotoh, (1404 AH). Ayat al-Ahkam, Tehran, Navid press.
- Helli Siveri (Fazel Miqdad), Miqdad ibn Abdullah (1419 AH). Kanz al-erfan fi Feqh al-Qur'an, placeless, World club of Approximation of Islamic Religions.
- Davodi, Mohammad (1389 SH). Moral education, third edition, Qom, Seminary and University Research press.
- Robertson, Yan (1390 SH). Introduction of society (with an emphasis on the theories of functionalism, conflict and symbolic interaction), Hossein Behravan, 5th edition, Mashhad, Beh Nashr (Astan Quds Razavi) press.
- Rawandi, Seyyed Fazlollah (wd). Nawader al-Rawandi, Qom, Dar al-Kitab press.
- Rawandi, gotb al-Din Saeed ibn Hibatollah (1405 AH). Fiqh al-Qur'an fi Sharh-e- Ayat al-Ahkam, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library press.
- Rajabzadeh, Ahmad and others (1391 SH). Social studies (first year of high school), 14th edition, Tehran, Iran textbook publishing company.
- Zamakhshari, Mahmoud (1407 AH). al-Kashaf an-Haghayegh Ghawamez al-Tanzil, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sarukhani, Baqir (1370 SH). Introduction to the encyclopedia of social sciences; First edition, Kayhan press, Tehran.
- Salimi, Ali, Davari, Mohammad (1387 SH). Sociology of Deviance, 4th edition, Qom, Seminary and University Research Institute.
- Seyyed ibn Qotb ibn Ibrahim Shazli (1412 AH). fi Zela al-Qur'an, Beirut-Cairo, Dar al-Shoroq press.
- Seyyed Razi, Abul Hasan Mohammad ibn Abi Ahmed (1381 SH). Nahj al-Balagha; Translated by Mohammad Dashti, first edition, Qom, Amirul Momineen (peace be upon him) Cultural Research Institution.
- (1377 SH). Nahj ol-Balagha; Translated and described by Seyyed Ali Naghi Feiz al Islam, 7th edition, w.p, Feizul Islam press.
- Shariatmadari, Ali (1387 SH). Educational psychology, 20th edition, Tehran, Amir Kabir press.
- Shayiri, Taj al-Din (1365 SH). Jame al-Akhbar, one volume, Qom, Razi press.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad (1365 SH). Al-Forqan fi Tafsir al-Qur'an ba Qur'an, second edition, Qom, Islamic Culture press.
- Sadouq, Sheikh Abi Ja'far Mohammad ibn Ali (wd). Qom, al-Shari'a, al-Davari Library, Qom.
- (1413 AH). Man la- yahzor al-Faqih; Qom, Modaresin Society press.

- (1403 AH). Al-Khesal, Qom, Qom Seminary Society of Teachers press.
- (1361 SH). Ma'ani al-Akhbar, Qom, Qom Society of Teachers press.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH). al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Office of the Qom Academic Faculty press.
- (1386 SH). Social relations in Islam, Second edition, Qom, Islamic publishing office affiliated with the Qom seminary teachers' community press.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan(1372SH). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosrow press.
- Tabarsi (Razi al-Din), Hasan ibn Fazl (1412.H). Makarem al-Akhlaq; Qom, Sharif Razi press.
- Tusi, Sheikh Abi Jafar Mohammad ibn Hasan(1365SH). Tahdeeb al-Ahkam; Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya Publishing House press.
- Alagheband, Ali (1390SH). Sociology of education, 49th edition, Tehran, Ravan press.
- Qaemi, Ali (1388 SH). Family life system in Islam; 11th edition, Tehran, the Association of Parents and Teachers press.
- Qaraati, Mohsen (1383SH). Tafsir-e- Noor, 11th edition, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Holy Qur'an press.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim ibn Hashem (1404AH). Al-Tafsir al-Qomi; Qom, Dar al-Kitab press.
- Qomi, Mashhadi Mohammad ibn Mohammad Reza(1368SH). Tafsir Kunz al-Daqaeq and Bahr al-Gharaiib; Research :Hossein Dargahi, first edition, Tehran, publisher: Ministry of Islamic Guidance Printing and Organization press.
- Kardan, Ali Muhammed (1384SH). Principles and basic rules in social education, Islamic education and training practical issues journal, No.1, pp. 141-156.
- Kolyani, Muhammad ibn Yaqoob (1365 SH). Al- Kafi, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Karajeki, Abul Fatah (1410AH). Kanz al-Fouad; Qom, Dar al-Zhakhar press.
- Karami Faridni, Ali (translated and written)(1384SH). Nahj al-Fasaha (a ray of the message of the Prophet (PBUH)); First edition, Qom, Helm press.
- Kufi, Muhammad ibn Muhammad ibn Ash'ath (wd). al-Jaafriyat; Tehran, Ninavi al-Hadise.
- Coen Bruce (1390 SH). Basics of sociology, translated and adapted by: Gholam Abbas Tavssoli and Reza Fazel, 23rd edition, Tehran, SAMT press, Tehran.
- Muttaghi Handi, Alaeddin Ali ibn Hussamulddin (1401 AH). Kanzal al-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal, research: Bakri Hayani and Safwa al-Saqqa, 5th edition, Medina, al-Rasalah Institute press.
- Majlesi, Mohammad Baqer (1404 AH). Bihar al-Anwar, Beirut, al-Wafa Institution.

- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (1389SH). Children's Wisdom, Colleague and Translator Abbas Pansideh, 5th Edition, Qom, Dar al-Hadith press.  
----- (1370 SH). Mizan al-Hekmah; third edition, Qom, Maktoll al-Alam al-Islami press.
- Maraghi, Ahmed ibn Mustafa(w.d). Tafsir al-Maraghi, Beirut, Dar al-Hyaya al-Trath al-Arabi.
- Moradzadeh, Farhad (1372 SH). Socialization, Social Science Education Development Journal, Vol. 17.
- Motahari, Morteza (1379 SH). Education in Islam; 35th edition, Tehran, Sadra press.  
----- (1377 SH). Contemplate in Prophetic life, 20th edition, Tehran, Sadra press.
- Maghniyeh, Muhammad Javad (1424A.H). Tafsir al-Kashif, Tehran, Dar al-Kutob al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi, Nasser (1421 AH). Al-Athmal fi Tafsir Kitab Allah al-Manzil, first edition, Qom Madrasa Imam Ali ibn Abi Talib press.
- Makarem Shirazi, Nasser et al. (1374 SH). Tafsir-e- Nemouneh, Tehran, Islamic Dar al-Kitab.
- Monadi, Morteza (1385 SH). Sociology of the family, first edition, Tehran, Danjhe press.  
----- (1386 SH). Introduction to sociological to socialization, first edition, Tehran, Jeihoon press.
- Attributed to Ali ibn Musa (A.S) (1406 AH). Fiqh al-Reza (peace upon him), w.p, and World Congress of Imam Reza (peace upon him).
- Milani Far, Behrouz (1388 SH). Mental health 11; th edition, Tehran, Qaoms press.
- Nouri, Mirza Hossein (1408 AH). Mostardak al-Wasail, Qom, Al-al-Bayt Institution.
- William Sears (1374 SH). Father and child rearing, Parvin Farhadi, first edition, Tehran, Maad press.